



مطالعه

نگارش جناب غلام جیلانی خان اعظمی
معاون انجمن ادب

مطالعه موضوعیست که دانشمندان بیشتر دان آینه ایق فرموده و عده قلیلی
اضرار آنرا نیز پیش پیشی کرده اند و مطالعات فریبگی
مقالات و نگارشات مختلفی در تحت عناوین (عشق بکتابها) (بهترین رفیق)
و امثالهم بقدری توجه مردم را بمطالعه جلب نموده که امروز شنیدن جمله «ضرر
مطالعه» چیزی غریبی بآنها معلوم می شود!

دانشمندان با آنها تیکه اکثراً بطرفداری مطالعات قلم فرسائی کرده اند،
بعقیده ما از جهل و تنبلی و تن بروری اشخاص ملاحظاتی داشته و قیمت وقت
آنها را در نظر گرفته لهذا مطالعه را ترجیح داده اند، زیرا آنها حقدارند تا درین
موضوع اصرار داشته و درد عطالت و تنبلی را بوسیله هرگونه مطالعات تیکه باشد
جیره و علاج نمایند!

ولی متأسفانه کمتر بنظر رسیده که نگارنده اینموضوع استثنا آتی را قائل شده و اشخاص فرا خور مطالعات را در نگارش خود تعیین نمایند که آیا چگونه اشخاصی باید بیشتر مصروف مطالعه بوده و مطالعات در چه موضوع و از چه قبیلی بوده باشد؟ طرفداران ضرر مطالعه هم در بنمورد اغماض نموده و نخواسته اند بگویند که آزادی مطالعه بچه گونه اشخاصی مضر واقع می شود؟

امروز که تالیفات و تصنیفات در دنیای بشریت اکثراً آزاد و هر کس میتواند بوسیله مقالات و کتبی عقیده و افکار خود را معروض مطالعات عموم قرار دهد، شکوکی دست میدهد که ایامه نگارندگان آن عاقل و فکر آنها مفید و صائب است یا خیر؟

اگر نگارشات و مؤلفات متعدده و مختلفه که تا امروز بنظر عالمیان عرض جلوه نموده اند عموماً صحیح و مثبت واقع میشد و بسد آنها نگارشی وجود نمی یافت شاید ما اعتقاد می کردیم که هر نگارشی مفید و مطالعه هر چیزی ضروری است! ولی باید این هرج و مرج و مبارزات قلمی دنیای امروزه را بنظر عبرت دیده و مثل اقوان و نصایح دوست بود شمن در اطراف آن وقت و ملاحظاتی بکار برده شود که آیا چگونه مطالعاتی حتمی و مفید است و کدام آنها باعث اتلاف وقت و کسب ضرر. مطالعات کتب عیناً بمنابۀ و عاظ یا رفقای هم صحبتند که هر کدام با نظریات مخصوص خود شان تبلیغ و ارشادی کرده و می خواهند شنونده را تحت تأثیر کلام خود بیاورند بلکه تأثیر نفوذ عبارات کتب و جرائد از کلام و عاظ و ناطقین بیشتر مؤثر است زیرا ممکن است شخصیت اشخاص مؤخر الذکر القای سؤ تأثیر بشنونده بکنند ولی کتب و جرائد بکمال بیطرفی اجرای تأثیر در خواننده می تواند.

علمای علم اجتماع سوئیه علمی و اخلاقی ملل را بگانه و سیله یشرفت و اسباب ترقی و تعالی می شمارند ، شك نیست که مهم ترین عامل ترقی ملل همین مطلب است چه و خدت فکری و اخلاقی اختلافات نظر را ناپدید کرده .

و فنا که يك اندیشه معقول بمیان آید همه کان آنرا پذیرفته و پروکر امیکه از طرف بکنفر فائد و خیر خواهی طرح می شود از طرف عموم پذیرفته شده صورت عملی می یابد ! درین زمینه اگر خواسته باشیم خوبتر دلیلی اقامه کنیم باید بگوئیم که مثال روشن تری بحاری امور حیاتی امروزه شرق و غرب است ؛ یعنی اختلافات نظری که بین شرق و غرب در موضوع اداره ملکی و معاشرتی موجود است با تباینی که در اخلاق و مراسم باشندگان این دو سرزمین میباشد دلیلی برای این مدعا بخوبی شده میتواند . ولی ممکن است که درین خصوص بعا اعتراضی واقع شود که غربیان ملل عالم و چون از خیر و شر خود میدانند با مطالب خلاف منافع مخالف و ملل شرق بواسطه بیعلمی بهر مطلب مفید و غیر مفید تن داده صبور و قانع هستند !! ما درین اعتراض يك مطلبی ~~بشکل حکیم~~ ~~قرائنی~~ ~~میدانیم~~ ~~و آن~~ ~~این~~ است که بقول جناب بیدل :

رتال جامع علوم انسانی

در طریق نفع خود کس نیست محتاج دلیل بی عصا راه دهن معلوم باشد کور را ملل کم تعلیم شرق یا هر قوم بی تعلیم امروز معلوم و هویدا است که چیزهای خوب را خوب و بد را بد میدانند حتی سیاهان افریقا ! ولی در جائیکه اختلاف طبائع و افکار و اضداد آراء و اخلاق موجود است در آنجا يك پروگرام صحیح و نظریه معقول هم دوچار تعویق و مشکلات گردیده سکنه های زیادی در جریانش واقع میشود ~~ممکن~~ است شرقیان در انقسمتی بهت کنند که آنرا ندیده و تجربه در انخصوص نداشته باشند .

در شرق مخصوصاً در آن نقاطیکه هنوز مثل ممالک غربی اختلاف تعلیم و تربیه و نشریات و مطبوعات مختلفی وجود ندارد در آنجاها سوبه اخلاق و تربیه و عقاید و آراء قرابت و نزدیکی باهم داشته و در موارد مذهب، سیاست، اداره معاشرت اختلاف کمتری بین شان میباشد.

بالعکس امروز در ممالک مغربی گرچه از نقطه نظر امور مدنی و معاشرتی کمتر اختلافی دارند ولی از نقطه نظر مذهب، سیاست، طرز تخیل و مفکوره اختلافات مدهشی موجود و کسانیکه مدققانه در اخلاق و روحیات اقوام مذکوره مطالعاتی کرده باشند میدانند که امروز جریانات اجتماعی ممالک مغربی مثل سیل خروشان و متلاطم و موج بوده و سر حدی منظمی برای قبول عقائد و آرای نافع و وجود نداشته و بمشکل میتوان عامه را در نقطه واحدی قانع و متحد نمود.

شاید در نیمورد اعتراض دیگری وارد شود که سکوت و قناعت شرق و شرقیان بواسطه محدودیت علم و خیرت و تلاطم افکار و آرای غربیان بواسطه وسعت علوم و مطبوعات است!

بل ما هم میتوانیم عین این فیصله را تصدیق کنیم مگر اعتراض ^{رویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی} اینجاست که در مغرب جریانات اجتماعی و آرای مثبت و منفی امروز بقدری توازن دارد که در ملل عالم و با فضل سابقه شرقی باین اندازه وجود نداشت یعنی علوم و مطبوعات در صورتیکه اساساً نقصی نداشته باشد؛ سوبه اخلاق و طبائع و افکار ملل را متباین و مغایر نمی سازد! پس باید اذغان نمود که وجود مطالعات مختلف و منفی باعث تشمت افکار و عقاید افراد یک جامعه شده نتایجی را بار می آورد که باید در یک فامیل: فردی طرفدار بهار و فردی شیفته خزان، یکی آرزو مند غذای سرد و دیگری مائل غذای گرم بوده و هر کدام از نقطه

مطالعات خود در اطراف مطلوب به خود دلایل منطقی و بآنچه خود قانع شده اند اقامه کرده و اختلافات امور معاشرتی را در يك فامیل محدود بوجود آرند .

پس مایکونیم مطالعات بحد ذاته خیلی خوب و مفید است ! ولی ضرریکه از مطالعه تولید می شود بواسطه مطالب آنیه است :

اول : قبل از مطالعه کتاب یا نگارشی باید موضوع کتاب و مقاله از عنوان و فهرست آن تدقیق شود که آیا مقرون بصلاحت و نفع خواننده است یا خیر ؟ مثلاً شخصی در جامعه بامعاش و دسترنج محدودی زندگانی و پیشه وری داشته و بهیچ وجه نمیتواند دارای يك حیات مجمل و عالی شود ، وقتا که مقاله یا اثری راجع بحیات بر تنکلف و مستربیح عیاشان دنیا را تحت مطالعه قرار میدهد طبعاً مؤتمانی در روح او تولید میشود که قناعت و استقلال مزاج خواننده دو چارترزلزل شده ، پیشه و زندگانی خود را پس از آن بسر دی و عبوست تلقی مینماید . حتی از عزم و فعالیت او نیز کاسته شده رفته رفته یاد در زندگانی و رشکست می شود یا متوسل بطرق نامشروعی خواهد گردید . ^{کتاب و علوم اسلامی و مطالعات کتب} کذا مطالعات کتب و آثار یکه منافی اخلاق ، مذهب ، و دیگر مطالب سیلی ^{و الحقیقت علی مملکت بوده و بصورت غیر شعوری} در خواننده تاثیر نفوذ می نماید .

۲ : ملاحظه قیمت وقت است ! وقت در حیات انسان قیمت بزرگی دارد لهذا نباید آن را بر ایگات فروخت ! مثلاً اوقات خود را ما عنداللزوم تقسیم کرده برای عبادت ، کار و پیشه ، استراحت ، ضمناً مطالعه تقسیم می کنیم . قسم اول از واجبات مذهبی و راحت روحی و معنوی ما بوده و حتمی است ، قسم دوم برای حفاظه حیات و تأمین معاشرت شخصی و عایلوی و ما از قبول و اجرای آن ناگر بریم

قسم سوم نیز برای تامین صحت و سلامت مزاج است که باین وسیله بدیگر وظایف حیاتیه پرداخته میتوانیم .

قسمت آخرین یعنی حصه را که ما برای مطالعه قرار میدهیم آنهم معلوم است که قسمتی از عمر و حیات ما را صرف و اشغال میکند، گویا يك حصه حیات خود را فروخته و بمعاوضه مطالعه می خریم ، پس درین نقطه باید انسان دقت بکار برد که آیا در برابر جنس گرانمایه عمر چه چیزی را خریداری خواهیم نمود؟

مطالعه! بلی مطالعه که بدیگر منظور حیاتی ما کمکی کرده و ما را در انجهات مستفید ساخته بتواند خوب است! مثلاً اگر این مطالعات دینی یا اخلاقی بوده و از لحاظ مذهب و اخلاق اجتماعی معلومات ما را می افزاید بسیار خوب است ، یا اگر این مطالعات در رشته همان پیشه و کار بیکه وسیله آن تامین معیشت میکنیم بوده و بمهارت و بصیرت ما می افزاید باز هم خیلی خوب است!

کذا اگر این مطالعات قسمی تفریحی و لحظه میتوانیم بواسطه آن غبار ملال و خسته گی خاطر را زدوده باز هم خوب است ، بالاخره اگر يك مطالعات محدودی راجع بجهان و اجتماعات آنها مطالعه ما بکرده و بآنها روابط اجتماعی داریم و نباید از آنها بکلی بیخبر بودیم لازم محل است .

ولی اگر مطالعاتی از قبیل کتابهای دبل کارل ، لوی ۱۳ ، دزدان دریائی ، عشاق پاریس و امثالهم بوده و با مطالبیکه در بالا متذکر شدیم و ابداً ربطی بموضوع نافع ما ندارد بوده باشد البته از همه جهت اینگونه مطالعات بی فایده و مضر اخلاق ، مضیع وقت ، محل صحت و دماغ بوده خواننده را مورد خساره جسمی و معنوی میگردداند .

